

تفسیر قصدگرایانه از جایگاه و صلاحیت‌های شورای نگهبان در پرتو اندیشه‌های شهید بهشتی

محمد رضا اصغری شورستانی^{۱*}، محمد صادق داریوند^{۲**}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2023.1657.1524

چکیده

شورای نگهبان یکی از نهادهای مهم نظام جمهوری اسلامی ایران است. این نهاد دستاورد تلاش متفکران مؤثر در انقلاب اسلامی و از جمله آن‌ها شهید آیت‌الله دکتر بهشتی است که از اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه، موسوم به اصل طراز، الهام گرفتند و به منظور جلوگیری از تصویب قوانین و مقررات مغایر با احکام و موازین شرع مقدس اسلام آن را پایه‌گذاری کردند. در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اندیشه‌های حقوقدانان به این پرسش پاسخ داده شود که نهاد شورای نگهبان در اندیشه شهید بهشتی چه جایگاه و صلاحیت‌هایی داشته و چگونه می‌توان با التفات به این اندیشه‌ها در مسیر تفسیر قصدگرایانه صلاحیت‌های شورای نگهبان به نظری درست دست یافت. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد از دیدگاه شهید بهشتی شورای نگهبان از جایگاه فصل‌الخطاب بودن در نظام جمهوری اسلامی ایران برخوردار است و به همین جهت در زمینه سنجش قوانین و مقررات از حیث شرعی صلاحیتی غیر موقت دارد. نیز در زمینه تفسیر قانون اساسی سخن شورای نگهبان فصل‌الخطاب و قاطع است و نهادهای دیگر حق اظهار نظر قانونی در این باره را ندارند.

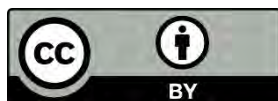
واژگان کلیدی: پدران بنیان‌گذار، تفسیر قانون اساسی، شورای نگهبان، شهید بهشتی، قانون اساسی، نظارت شرعی.

۱. استادیار حقوق عمومی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

* Email: M.asghari@ujss.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

** Email: Darivand1378@gmail.com



مقدمه

تنظیم مقررات و قوانین مطابق احکام شرع مقدس و اسلامی بودن آن‌ها همواره دغدغه فقها و عالمان اسلامی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن تعیین شکل حکومتی جمهوری اسلامی لازم بود در قانون اساسی متأثر از این انقلاب حاکمیت مکتب اسلام بر همه اصول آن به صراحت اعلام شود. زیرا مردم مسلمان ایران خواهان چنین امری بودند؛ طوری که در مقدمه قانون اساسی تشکیل حکومت اسلامی خواست دیرینه مردم مسلمان ایران عنوان شده است. از این رو، به منظور اطمینان از اینکه در جمهوری اسلامی قانونی مغایر با شرع وضع نشود، ضرورت داشت مرجعی صالح مصوبات مجلس را از جهت انطباق با موازین و احکام شرعی بررسی کند و بدین منظور در قانون اساسی نهادی به نام شورای نگهبان پیش‌بینی و پایه‌گذاری شد. از سوی دیگر یکی از منابعی که می‌توان به کمک آن مبانی و اهداف نظام حقوقی را استنباط کرد افکار و ایده‌های مطرح‌شده از سوی پدران بنیان‌گذار^۱ نظام حقوقی است. اندیشمندان و متفکران اسلامی با الهام از آیات قرآن کریم و سیره معصومان^(ع) و با اعتقاد به اینکه اجرای همه‌جانبه شریعت جز در سایه وجود نظام سیاسی و حقوقی مقتدر قابل اجرا نیست، تلاش‌های بسیاری در پایه‌ریزی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران داشتند و قدر متیقن از مصادیقی که می‌توان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به منزله پایه‌گذار نظام حقوقی ذکر کرد، در کنار بنیان‌گذار جمهوری اسلامی^۲، شهید بهشتی^(ره) است. زیرا او نقش مهمی در پایه‌ریزی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران داشت و از افراد شاخص در تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. زیرا، پس از تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، به عنوان نایب‌رئیس این مجلس انتخاب شد و به دلیل برخورداری از قدرت مدیریتی عملاً در بسیاری از جلسات ریاست جلسه را بر عهده داشت و به دلیل اظهارنظرهای مهم خود در روند تصویب اصول مختلف و مهم قانون اساسی به تعبیری زبان‌گویای هیئت تقنین اساسی محسوب می‌شد. ایشان در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مفاهیم مطرح‌شده در اصول پیشنهادی گروه‌ها را توضیح می‌داد و برای اعضای مجلس تبیین می‌کرد و اگر نیاز ضروری و منطقی به اصلاح عبارتی وجود داشت آن را تکمیل یا اصلاح می‌کرد و به رأی نمایندگان می‌گذاشت.^۳

برای دستیابی دقیق به اندیشه شهید بهشتی درباره جایگاه و صلاحیت‌های شورای نگهبان لازم است با نگاهی قصدگرایانه^۴ به آثار و نظرات ایشان در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

مراجعه کرد. زیرا مقصود از این روش تفسیری تفسیر قانون بر اساس قصد و مراد مقنن است و باید توجه داشت که در رویکرد قصدگرا هدف کشف مراد مقنن است و قانون بر مبنای مراد مقنن تفسیر می‌شود و مفسر می‌کوشد تا مراد مقنن را به دست آورد و قانون را بر اساس آن تفسیر کند. بالطبع ممکن است در مسیر کشف مراد مقنن از متن قانون نیز کمک بگیرد. اما از آنجا که هدف از تفسیر را کشف مراد مقنن می‌داند، در مقام تراحم میان افاده معنای الفاظ و مراد مقنن، اولویت را به مراد مقنن خواهد داد (اصغری شورشانی، ۱۳۹۸: ۵۶ - ۵۷).

نظریه‌پردازانی که از قصدگرایی سخن گفته‌اند آن را از این جهت در تقابل با متن‌گرایی می‌دانند که بر آن‌اند متن قانون صرفاً طریقی برای درک معنایی است که قانون‌گذار مد نظر دارد و بنابراین به خودی خود فاقد موضوعیت است. این دسته به صراحت می‌گویند خوانندگان به هیچ وجه نمی‌توانند متون را بدون مقاصد انسانی مسلم یا واقعی آن متوجه شوند. چون الفاظ نشانه‌های بی‌معنایی روی کاغذ هستند (Kay, 1988: 230).

بنابراین پژوهش حاضر با رویکردی قصدگرایانه از طریق گردآوری گفتارها و نوشتارهای ایشان با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که نهاد شورای نگهبان در اندیشه شهید بهشتی چه جایگاهی داشته و کارویژه‌های آن در نظام حقوقی ایران به چه ترتیب است. با بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد اثر مستقلاً در رابطه با این موضوع نگاشته نشده است. البته در ذیل چند پژوهش فقط به بیان دیدگاه‌های شهید بهشتی در روند تصویب اصول مربوط به شورای نگهبان اکتفا شده است.^۵ بدین جهت وجه نوآورانه پژوهش حاضر این است که اولاً در تحقیق حاضر برخلاف پژوهش‌های قبلی، که صرفاً به ذکر دیدگاه شهید بهشتی در روند تصویب اصول مربوط به نهاد شورای نگهبان پرداخته‌اند، با نگاه قصدگرا از گفتارها و نوشتارهای شهید بهشتی چه در مشروح مذاکرات چه در کتب و مصاحبه‌های وی در جهت تبیین هر چه بهتر اندیشه ایشان استفاده شده است و ثانیاً بحث از آرای شهید بهشتی در این رابطه برخلاف آثار قبلی که فقط بخشی از تحقیق به بیان دیدگاه ایشان اختصاص یافته است در اثری مستقل همراه بررسی دیدگاه‌های حقوقدانان صورت گرفته است. در همین زمینه، ابتدا خطوط کلی منظومه فکری شهید بهشتی تبیین شده تا بتوان دیدگاه کلان ایشان را در موضوعات مرتبط با نظام حقوقی استنباط کرد. در ادامه با بررسی ریزمؤلفه‌های اندیشه شهید بهشتی در خصوص نهاد شورای نگهبان نخست ضرورت وجود نهاد شورای نگهبان بررسی شده است. و در نهایت به صلاحیت‌های مناقشه‌برانگیز شورای نگهبان اشاره شده و

ضمن تبیین اندیشه‌های مختلف در خصوص هر یک، با نگاه قصدگرا، تلاش شده از منظر شهید بهشتی قول مختار تبیین شود.

۱. چارچوب کلی نظام حقوقی جمهوری اسلامی در منظر شهید بهشتی

شهید بهشتی ساختار نظام اصیل اسلامی را مبتنی بر مؤلفه‌های «امت و امامت» و آن را برگرفته از برداشت تشیع راستین از اسلام می‌داند و بر آن است که بهترین نام برای نظام جمهوری اسلامی نظام امت و امامت است. زیرا این نظام طرح نوین حکومتی است و با هیچ‌یک از نظام‌های سیاسی موجود در کتب حقوق سیاسی و قانون اساسی قابل تطبیق نیست (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ الف: ۱۵). از دیدگاه شهید بهشتی قانون اساسی انقلاب اسلامی یک ملت و جامعه مسلمان نیاز دارد متکی به معارف اسلامی باشد و این امر قابل انکار و تردید نیست (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۷۶). ایشان معتقد بودند در جوامع مکتب‌محور مردم، در اولین گام، مکتب خود را مشخص می‌کنند و با این انتخاب در واقع اعلام می‌کنند که زین پس باید همه امور بر اساس این مکتب پیش برود. این انتخاب به شکل کاملاً آزادانه‌ای صورت پذیرفته و مردم جامعه با اقدام اول خود اقدامات بعدی را در چارچوب مکتب محدود کرده‌اند (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۸۰). بر همین اساس به عقیده ایشان یکی از ویژگی‌های مهم نظام حقوقی ایران مکتبی بودن آن است و در همین زمینه ایشان بر آن‌اند که شخص فقیه دو نقش اساسی در جامعه اسلامی ایفا می‌کند: فقهت فقیه و ولایت فقیه: «فقیه بعد از اینکه نظرات اسلامی را روشن کرد و فقهای شورای نگهبان که آن‌ها هم باید فتاوی فقهت رهبری را رعایت کنند قوانین را تطبیق کردند و معلوم شد قوانینی که از مجلس گذشته مطابق اسلام است، اگر این قسمت تأمین شد، یعنی فقهای شورای نگهبان نقش فقهت ولی فقیه را در تأیید انطباق قوانین با اسلام ایفا کردند، بعد از اینکه این کار را کردند، باید در مجاری اجرای قوانین، ولایت فقیه و تسلط او بر کیفیت اداره جامعه تأمین شود تا این قوانین مصوب و تضمین شده از نظر انطباق با اسلام در مقام عمل هم اجرا شود و این ولایت فقیه است.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ ب: ۲۸۱ - ۲۸۲). بنابراین برداشت شهید بهشتی آن است که نهاد شورای نگهبان بازوی فقهت رهبری در نظام اسلامی محسوب می‌شود و به همین سبب اعتقاد داشتند که شورای نگهبان باید حالت تداومی داشته باشد؛ به گونه‌ای که همیشه نظام جمهوری اسلامی دارای شورای نگهبان باشد و هیچ زمانی اختلال و سستی در تشکیل این نهاد به وجود نیاید

(صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۷۱). شهید بهشتی جایگاه محوری مردم را در اداره حکومت به مثابه «امتی» که حول محور «امام» بر اساس تعالیم اسلام اجتماع یافته می‌داند و معتقد است: «نظام اجتماعی جدید ایران نظامی است اسلامی، ولی نظامی است که مردم با انتخاب و اختیار و گزینش خودشان آن را انتخاب کردند، نظامی است در راه خدمت به مردم یا به تعبیر دیگر نظامی است مردمی بر پایه اسلام. بنابراین نظام اجتماعی آینده ما نظامی است متعهد در برابر اسلام و نظامی است مردمی و اومانیستی نه ملی و ناسیونالیست، آن هم اومانیسم اسلامی که انسان‌دوست است نه انسان‌پرست.» (بهشتی، ۱۳۹۰ الف: ۶۴). از دیگر مؤلفه‌های فکری شهید بهشتی، مرتبط با مبانی و مقاصد نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ناظر به ماهیت قانون اساسی است. از نگاه شهید بهشتی قانون اساسی به مثابه دستگاه گردش خون است که باید سالم نگاه داشته شود و در همین زمینه ایشان باور داشت امت و مردمی که در تشخیص بسیار قوی باشند و زمانه خود را به درستی درک کنند و عالم به زمان باشند این حضور آگاهانه و متعهدانه منجر به آن خواهد شد که نظام سیاسی مبتنی بر قانون اساسی همچون دستگاه گردش خون منظم و دقیق کار کند (شعاع‌حسینی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۳۱). ایشان قانون اساسی را «بیانیه اصل‌بندی‌شده و تنظیم‌شده انقلاب اسلامی» می‌دانست (بهشتی، ۱۳۹۰ الف: ۶۳). به عبارت دیگر قانون اساسی در حقیقت خواسته‌های تنظیم‌شده و دسته‌بندی‌شده مردمی است که در فرایند حدوث و استمرار انقلاب اسلامی ابراز می‌کنند و این مفسر قانون اساسی است که پایه‌پای مردم و اقتضائات انقلاب اسلامی باید تفسیر خود را نه با انحصار در اقتضائات زمان تصویب، بلکه با نگاه به پویایی و پایایی نظام حقوقی پیش ببرد و از جمله آثار این نگاه فهم ماهیت حقیقی قانون اساسی است.

۲. ضرورت وجود شورای نگهبان و ترکیب اعضای آن از منظر شهید بهشتی

اصل برتری و حاکمیت قانون اساسی ریشه در انقلاب مشروطه دارد. زیرا قانون اساسی مشروطه و متمم آن جنبش قانون اساسی خواهی را به ارمغان آورد. لکن قانون اساسی بدون وجود نهادی که تضمین‌کننده «برتری قانون اساسی و احکام شرع» باشد همواره مورد نقض خواهد بود؛ طوری که بازنگری‌های چندگانه در قانون اساسی مشروطه تا زمان لغو آن قادر به رفع این نقص و کاستی نشد (منصوریان و ملازاده، ۱۳۹۴: ۲۵۲). اما با وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مکتبی جمهوری اسلامی، که مردم ایران در همه‌پرسی ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ شکل حکومت خود را «جمهوری اسلامی» اعلام کردند، ضرورت داشت تا در این شکل حکومتی تقنین و اجرا و قضا بر اساس موازین اسلام باشد. به همین دلیل ویژگی این نهاد در

نظام جمهوری اسلامی این است که علاوه بر پاسداری از قانون اساسی، به مفهوم متداول و عرفی آن، وظیفه پاسداری از موازین و احکام شرع اسلام را نیز که آن هم مورد عنایت قانون اساسی است به عهده دارد و مشخصاً قوانین عادی را از این حیث که مغایر با موازین شرع اسلام نباشند بررسی می‌کند (مهرپور، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

۱-۲. ضرورت وجود شورای نگهبان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

شهید بهشتی از کسانی بود که باور داشت شورای نگهبان باید حالت تداومی داشته باشد؛ به گونه‌ای که همیشه نظام جمهوری اسلامی دارای شورای نگهبان باشد و هیچ فترتی پیش نیاید (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۷۱). بنابراین، از اصل وجود نهادی به نام شورای نگهبان با ترکیبی از فقها و حقوقدانان و با شرح وظایف مشخصی دفاع می‌کرد. ایشان با توجه به تجربه تاریخی، که منجر به سرنوشت مجتهدان اصل طراز در عصر مشروطه یعنی موضوع اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه شد، این دغدغه را در ذهن داشت که اگر قرار شود یک بار دیگر خدای نکرده تاریخ تکرار شود و موضوع تشکیل شورای نگهبان مثل موضوع طراز اول به بوته فراموشی سپرده شود، آن وقت تکلیف چه می‌شود؟ (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۰۸۴). بر همین اساس ایشان در جریان تصویب اصل ۹۳ قانون اساسی^۶ این نکته مهم را اظهار داشت که علت تهیه شدن این اصل مقابله با قدرت و عوامل احتمالی بوده که بخواهند مانع تشکیل شورای نگهبان شوند و این نهاد مهم را سالبه به انتفاء موضوع کنند. پس این اصل پیشنهاد شده است تا اساساً مجلس بدون شورای نگهبان اعتبار قانونی نداشته باشد و در نتیجه تضمینی برای عدم تعطیلی شورای نگهبان و نظارت شرعی بر قوانین باشد (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۰۷۹ - ۱۰۸۰).

۲-۲. ترکیب اعضای شورای نگهبان

در روند بررسی این اصل، چند موضوع مطرح شد. یک موضوع در روند تصویب اصل ۹۱ در خصوص تعداد حقوقدانانی بود که شورای عالی قضایی^۷ معرفی می‌کرد و پیشنهاد شد که فقط تعداد افراد معینی از سوی شورا به مجلس معرفی شود و از بین آنها شش نفر برای جلوگیری از مشکلات احتمالی انتخاب شود. لیکن نظر شهید بهشتی این بود که باید دست شورای عالی قضایی را باز گذاشت که عده بیشتری را معرفی کند تا نمایندگان مجلس بتوانند از میان آنها به کسانی که از شش نفر بیشتر هستند رأی اعتماد بدهند؛ یعنی مسلماً باید هفت

نفر، هشت نفر، یا حتی ده نفر معرفی شود تا امکان انتخاب برای نمایندگان باشد و بن‌بستی هم پیش نمی‌آید؛ چون اگر هفت نفر معرفی کند آن‌ها موظف‌اند از میان این هفت نفر شش نفر را انتخاب کنند و نمی‌توانند بگویند چهار نفر از آن‌ها یا پنج نفر را انتخاب می‌کنیم و این نکته که به عنوان اصل نوشته شد بدین معنا بود که مجلس باید از میان هفت نفر شش نفر را انتخاب کند و حق رد کامل ندارد (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۴۶).

یکی از موضوعات جدی دیگری که مطرح شد حضور حقوقدانان در نهاد شورای نگهبان بود. درباره حضور فقها در شورای نگهبان تردیدی وجود نداشت. زیرا فقها نسبت به دیگران از آگاهی بیشتری در زمینه احکام و موازین اسلامی برخوردارند. اما درباره حضور حقوقدانان برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مخالف بودند و ضرورت وجود حقوقدانان در کنار فقها برای ایشان ابهام داشت. از این رو پیشنهاد حذف حقوقدانان و اکتفا به حضور فقها را مطرح می‌کردند. استدلال مخالفان آن بود که چون نظام حکومتی تغییر کرده و مبنای قانون اساسی فقه امامیه است، حقوق اسلامی همان فقه است و از آنجا که بناسط قوانین ما متخذ از احکام اسلامی باشد، نیازی به حضور حقوقدانان وجود ندارد و همان‌طور که اکثریت اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی از فقها هستند، اعضای شورای نگهبان نیز باید فقیه باشند و از سویی حضور حقوقدانان می‌تواند این توهم را ایجاد کند که فقه اسلام ناقص است (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۴۸، ۹۵۱، ۹۵۳). شهید بهشتی در پاسخ به استدلال اعضای که مخالف حضور حقوقدانان در شورای نگهبان بودند ابراز کرد بسیاری از احکام مندرج در قانون اساسی در چارچوب احکام اسلامی است؛ ولی متخذ از قوانین اساسی سایر کشورهاست و مصادیقی از حقوق تطبیقی دارد که در بسیاری از مکاتب حقوق دنیا وجود دارد. بنابراین در خصوص تشخیص ابعاد مختلف این موضوعات صاحب فن بودن در حقوق- اعم از رشته‌های مختلف اساسی، مدنی، جزایی، بین‌المللی، و... مؤثر است. بنابراین ضرورت دارد در اینجا حقوقدانان حضور داشته باشند و نظر بدهند؛ ضمن اینکه قانون اساسی متضمن احکام کلی است که بسیاری از آن‌ها از اسلام گرفته شده است، لیکن تطبیق این احکام کلی بر مصادیق جزئی لزوماً کار فقیه نیست و وظیفه کارشناسان، شامل متخصصان حقوق سیاسی و قضایی و اقتصادی، است و در این زمینه حضور حقوقدانان در ترکیب شورای نگهبان ضروری است (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۵۱ - ۹۵۲). به عبارت دقیق‌تر شهید بهشتی بر آن بود که همه اعضای شورای نگهبان وظیفه پاسداری و حراست از قانون اساسی را دارند و فقط اظهارنظر در

مورد بخش‌های مربوط به انطباق با موازین اسلام مخصوص فقهاست. بنابراین چون طبق اصل ۴ قانون اساسی همه قوانین و مقررات کشور باید منطبق با قوانین اسلام باشد، برای اجرای این اصل، شش نفر فقیه اظهار نظر می‌کنند (صورت مشروح مذاکرات مجلس ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۲۳۷). بدین ترتیب با توضیحی که شهید بهشتی در روند تصویب این اصل داد حضور حقوقدانان در کنار فقها در شورای نگهبان با ۵۷ رأی از ۶۷ رأی تصویب شد.

۲-۳. مدت عضویت اعضای شورای نگهبان

بنا بر اصل ۹۲ قانون اساسی، اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند. ولی در نخستین دوره، پس از گذشت سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌کند و اعضای تازه‌ای به جای آن‌ها انتخاب می‌شود. از نگاه شهید بهشتی فلسفه این اصل آن است که برای شورای نگهبان باید حالتی مقرر شود که اندیشمندان جدیدی در مقطع زمانی مشخصی بیایند و با صاحب‌نظران قبلی ارتباط فکری داشته باشند تا آن مهارت و حضوری که افراد در طول این اقدام فنی پیدا می‌کنند به آن‌هایی که بعد از ایشان می‌آیند منتقل شود و چنان نباشد که افراد دوره بعدی کم‌تجربه باشند (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۷۱). به عبارت بهتر از نگاه ایشان مقصود از این اصل آن است که در هر سه سال شش نفر از اعضا که مدت کارشان به اتمام رسیده بار دیگر انتخاب شوند و افراد جدید با آن شش نفر قبلی، که سه سال سابقه کار دارند، همکاری کنند تا آن تجربه و مهارت که آن‌ها کسب کرده‌اند با افکاری که افراد تازه‌وارد دارند تلاقی کند که باعث شود این شورا در عین استحکام دارای خلاقیت نیز بشود (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۷۱). در ادامه روند تصویب اصل ۹۲، این سؤال مطرح شد که آیا حق انتخاب مجدد برای اعضا وجود دارد که شهید بهشتی در جواب این سؤال امکان انتخاب مجدد اعضا را تأیید کرد. زیرا از دیدگاه ایشان این افراد در کارشان متبحرتر شده‌اند و اگر واجد صلاحیت باشند مجدداً می‌توانند انتخاب شوند و انتخاب آن‌ها مانند نمایندگان مجلس خواهد بود؛ چون در اصول قانون اساسی برای نمایندگان مجلس محدودیت در حق انتخاب مجدد قرار داده نشده است. از سوی دیگر شهید بهشتی بر آن بود که چون اعضای شورای نگهبان شأن اجرایی ندارند برای انتخاب مجدد ایشان محدودیتی، همانند رئیس‌جمهور که شأن اجرایی دارد و مقرر شده که نباید بیش از دو نوبت انتخاب شود، در نظر گرفته نمی‌شود چراکه سنخ کار این شورا تخصصی است. (صورت

مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۷۱ - ۹۷۲).

۳. صلاحیت‌های شورای نگهبان در قانون اساسی از منظر شهید بهشتی

شورای نگهبان یکی از نهادهای مهم و تأثیرگذار در ساختار نظام جمهوری اسلامی است که نقش ویژه‌ای در قانون‌گذاری و تحقق قانون دارد. با عنایت به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درمی‌یابیم که این نهاد دارای دو کارویژه مهم نظارت بر قوانین و مقررات از جهت انطباق یا عدم انطباق با قانون اساسی و شرع اسلام و تفسیر قانون اساسی در صورت ضرورت است که در این بخش هر یک به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

۳-۱. نظارت بر قوانین و مقررات

نظارت بر مصوبات مجلس به معنی تطبیق آن‌ها با هنجارهای برتر است و به منظور جلوگیری از وضع و تصویب قوانین مغایر با هنجارهای بنیادین در هر نظام حقوقی است. با توجه به مبنای حاکمیت شریعت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نهاد شورای نگهبان علاوه بر سنجش مصوبات با قانون اساسی مکلف به سنجش مصوبات با احکام و موازین شرعی نیز هست.

۳-۱-۱. نظارت بر قوانین و مقررات از حیث عدم مغایرت با شرع

اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت اعلام می‌کند که همه قوانین و مقررات باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این موضوع بر عهده فقهای شورای نگهبان است و مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از طی مراحل قانونی لازم‌الاجرا می‌شوند. از این رو از نظر انطباق با شرع و قانون اساسی ارسال همه این مصوبات به شورای نگهبان الزامی است (حاجی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۹۳). شهید بهشتی، در جریان بررسی در زمینه تصویب اصل ۴ قانون اساسی، با عنایت به واژه مطابقت قوانین و مقررات با موازین اسلامی، این سؤال را مطرح می‌کند که در نظام حقوقی آینده ایران، تحت نام جمهوری اسلامی، دیدگاه ما برای انطباق قوانین و مقررات با موازین اسلامی و احکام شرعی چگونه باید باشد. سپس ایشان در مقام پاسخ به این سؤال دو دیدگاه در این زمینه مطرح می‌کند: «دیدگاه اول آن است که اگر برای هر نوع قانون و مقرره‌ای در مکتب اسلام قائل به منشأ و خاستگاهی باشیم که سمت و سوی قانون را تعیین می‌کند پس بر این اساس نمی‌توان به این امر اکتفا کرد که یک قانون و مقررات مخالف شرایط اسلام نباشد، بلکه بیشتر هدف در اینجا آن است که قوانین و مقررات ما همیشه دارای روح اسلامی باشد، و دیدگاه دوم آن است که اگر ما قائل به این نکته باشیم که دین اسلام در یک

سری از حیطه‌ها دارای قانون و مقرراتی می‌باشد، به دلیل آنکه ما نیاز به تقنین در زمینه‌های مختلف داریم، فلذا در اینجا باید بگوییم این قوانین نباید با موازین اسلامی مخالفتی داشته باشد» (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۱۷). شهید بهشتی در زمینه قانون‌گذاری ضمن تصریح به لزوم رعایت خطوط کلی قرآن کریم و سنت معصومین^(ع) در فرایند قانون‌گذاری و قرار داشتن قوانین و مقررات در محدوده آن خطوط کلی، با ذکر مثال قوانین مربوط به امور راهنمایی و رانندگی، این مهم را اظهار می‌کند که باید از تجارب استادان و کارشناسان این فن با رعایت حدود کلی کتاب و سنت استفاده کنیم؛ هرچند این امور به طور صریح در کتاب و سنت ذکر نشده است (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۱۷). برخی از حقوقدانان بر آن‌اند که نظارت تقنینی شورای نگهبان محدود به مصوبات تقنینی مجلس است و دیگر مصوبات را در بر نمی‌گیرد و اضافه کرده‌اند که دقت در پیش‌نویس قانون اساسی و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مؤید این معناست (راسخ، ۱۳۹۷: ۱۰۷). اما نگاهی به مشروح مذاکرات اصل ۴ قانون اساسی نشان می‌دهد که دغدغه اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی این بوده که هیچ قانون و مقرره‌ای مخالف با احکام و موازین اسلامی تصویب نشود و به عرصه اجرا نرسد. در همین زمینه، شهید بهشتی به صراحت در خصوص لزوم اسلامی بودن همه قوانین و مقررات بر پایه اجتهاد اسلامی می‌فرماید: «کلیه مسائل مربوط به قانون‌گذاری‌ها و تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ها در یک نظام ایدئولوژیک، یعنی در یک نظام مکتبی، نمی‌تواند دور از نظر مکتب و جهت‌گیری از آن صورت بگیرد. همه این قوانین باید در رابطه با تصمیم و جهت‌گیری خاص آن باشد تا آن قانون و آن آیین‌نامه بتواند متناسب با یک جامعه مکتبی باشد. در یک جامعه اسلامی کلیه قوانین و مقررات و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها باید ناظر داشته باشد و باید قوانین و مقررات را با مراجعه به منابع و مآخذ اسلامی مشخص کرد و بعد از نظر روش‌های قانون اساسی آن را دنبال کرد و تکمیل کرد.» (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۶۱). از سویی عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که اصل ۴ قانون اساسی مبین لزوم انطباق قوانین و مقررات با احکام شرع توسط شورای نگهبان است. اما این صلاحیت بسیار مهم به این معنا نیست که اگر شورای نگهبان در هر مجموعه قانون مخالفتی دید قوانین مصوب گذشته را ابطال کند. شورای نگهبان فقط می‌تواند، به عنوان تذکر و مخالفت، قانونی را که با شرع یا با قانون اساسی مخالفت دارد به مجلس برگرداند؛ ولی در هیچ حالتی حق ابطال قانون را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۷۶ - ۷۷). اما با دقت در اندیشه شهید بهشتی متوجه می‌شویم که ایشان بر آن است که اگر هر یک از

قوانین پیش از انقلاب تا تصویب قوانین جدید برخلاف اسلام باشند، طبق اصل ۴ قانون اساسی، خودبه‌خود بی‌اعتبار می‌شود و فقهای شورای نگهبان مسئولیت اظهارنظر در این زمینه را بر عهده دارند و پس از آنکه آن‌ها اعلام کردند که قانون برخلاف موازین اسلام است دیگر قابل اجرا نیست. در مواردی هم که قوانین گذشته برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد، پس از تصویب قانون اساسی، دیگر اعتبار قانونی نخواهند داشت (سرابندی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۱۴). بنابراین شورای نگهبان به لحاظ شرعی در زمینه همه قوانین و مقررات لازم‌الاجرا، اعم از قوانینی که از مجرای مجلس تصویب می‌شود یا آن‌هایی که پیش از انقلاب در نظام حقوقی ایران وارد شده و مورد نظارت شورای نگهبان قرار نگرفته، صلاحیت نظارتی دارد. به عبارت بهتر، رسالت شورای نگهبان در پاسداری از قانون اساسی در مرحله تقنین و پاسداری از شرع مطلق است؛ چه در فرایند تقنین چه در خصوص پایش قوانین و مقررات.

۳-۱-۲. مدت زمان اظهارنظر درباره مصوبات

نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس مطلق است و شامل همه مصوبات می‌شود و یک مرحله قانون‌گذاری به شمار می‌رود. این بدان معناست که همه مصوبات مجلس باید به صورت خودبه‌خود از مسیر شورای نگهبان گذر کند. در عین حال، شورای نگهبان حق ندارد به بهانه اعمال این حق سیر قانون‌گذاری را با بن‌بست مواجه سازد. این موضوع در اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی انعکاس یافته است. در خصوص زمان اظهارنظر درباره قوانین مغایر شرع نیز باید توجه داشت که مقنن اساسی به سبب محذورات اداره جامعه و لزوم تعیین تکلیف در امور اجتماعی و حکومتی (بهادری جهرمی و اصغری شورشانی، ۱۴۰۱: ۱۳۲) برای شورای نگهبان مهلت ده‌روزه و حق استمهال ده‌روزه مجدد و در مجموع فرصتی بیست‌روزه در نظر گرفته است. در صورتی که شورای نگهبان در طول این مدت در مورد مصوبه اظهارنظر نکند، آن مصوبه قانونی می‌شود و لازم‌الاجرا خواهد بود. در جریان بررسی این موضوع، شهید بهشتی هدف از پیش‌بینی چنین مقوله‌ای را این نکته دانست که شورای نگهبان موظف شود در مدت زمان مشخص نظر خود را اعلام کند و با این اصل این اختیار از شورا سلب شود تا هر گونه که خودش خواست یا هر زمان که خواست اظهارنظرش را به تعویق بیندازد (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۵۷). در ادامه بررسی اصل این سؤال مطرح شد که اگر شورا طی ده روزی که جهت بررسی مصوبه وقت دارد نظر خود را اعلام نکند تکلیف چیست؟ آیا مصوبه قابلیت اجرایی را پیدا می‌کند یا اینکه تا زمان بررسی شورا مصوبه رسمیت ندارد؟ شهید بهشتی در مقام پاسخ اظهار داشت

مادامی که مغایرت این تصمیم با مبانی اسلام ظاهر و آشکار نشده باید اجرا شود. زیرا اصل اولی در تصمیمات این است که تصمیم باید قابلیت اجرا داشته باشد؛ مگر آنکه مخالفتش با اسلام ثابت شود. ایشان در ادامه دیدگاه گروه تنظیم‌کننده این اصل را چنین توضیح داد که برای اینکه به همه جوانب امر دقت شود نباید هیچ‌وقت مهار کشور و دولت را منحصر در دست چند نفر کرد. چون وقتی یک قانون تصویب شد کافی است که شورای نگهبان اظهارنظر در این زمینه را به تأخیر بیندازد و این تعویق خلاف مصلحت مردم باشد. بنابراین اینکه اصولاً چند شخص تحت نام شورای نگهبان کمترین امکانی برای در دست داشتن عنان امور مملکت را، ولو برای چند روز، داشته باشند به نظر گروه مصلحت‌نیامد (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۵۸).

در عین حال باید دانست با توجه به اینکه حاکمیت شریعت در عرصه قانون‌گذاری مبنای نظام حقوقی است و کشف گزاره‌های قانونی مغایر شرع در دوره‌های مختلف امری محتمل است، توقیت مهلت زمانی اظهارنظر در خصوص قوانین و مقررات غیر شرعی با مبنا دانستن حاکمیت شرع در تنافی است. هرچند، همان‌طور که در روند تصویب اصل ۹۴ قانون اساسی نیز اشاره شده است، خسارات احتمالی از این حیث باید جبران شود و تمسک به این مبنا نباید موجبی برای عدم جبران حقوق تضییع‌شده اشخاص باشد. در خصوص این مبنا برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بیان می‌کردند که زندگی مردم را نمی‌شود متزلزل کرد. چون وقتی یک قانون وضع می‌شود و یک سلسله حقوق و تکالیفی به دنبال آن به وجود می‌آید، اگر مثلاً یک سال بعد شورای نگهبان بگوید رأی یک سال پیش بنده اشتباه بوده، باعث تزلزل و اختلال در زندگی روزمره مردم می‌شود. پس ضروری است که فکری برای جبران ضرر و زیان ناشی از این اظهارنظر شورای نگهبان بشود. شهید بهشتی ضمن پذیرش این نکته که در صورت وقوع چنین امری ضرر و زیان وارده باید جبران شود بیان کرد که در برخی از کشورها محکمه عالی قانون اساسی در مواردی که از یک قانون به استناد خلاف قانون اساسی بودن شکایت می‌شود به این موضوع رسیدگی و اظهارنظر می‌کند و این امر ولو پس از گذشت مدت زمان معتابه امری مرسوم و پذیرفته‌شده است (صورت مشروح مذاکرات مجلس ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۵۸ - ۹۵۹).

بنابراین در منظومه فکری شهید بهشتی هرچند نباید امور کشور را حتی در فرضی که شورای نگهبان به نتیجه و جمع‌بندی نهایی نرسیده باشد متوقف کرد، در عین حال، نمی‌توان از مبانی نظام حقوقی که به‌مثابه دلایل اعتبار و مشروعیت نظام حقوقی ایفای نقش می‌کنند نیز چشم پوشید. بنابراین، ایشان در همین گفت‌وگو، ضمن تصریح به حق اظهارنظر شرعی شورای نگهبان،

به لزوم جبران خسارات وارده در فرض نقض حقوق مکتسبه اشخاص نیز تصریح می‌کند و می‌فرماید: «این درست است. پس بفرمایید بنویسیم اگر چنین شد، ضررها را جبران کند. این اشکالی ندارد.» (صورت مشروح مذاکرات مجلس ...، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۵۹).

۲-۳. تفسیر قانون اساسی

تفسیر در لغت به معنای آشکار ساختن و پدیدار کردن یک امر است که همان پرده‌برداری از ابهام یا اجمال و هویدا کردن معناست و در زبان حقوقدانان تطبیق دادن منطوق قانون با عمل و اجرا محسوب می‌شود (جعفری ندوشن، ۱۳۸۵: ۳۵). دقت‌های مقنن اساسی مانع از آن نیست که در مسیر اجرای قانون اساسی اجمال، ابهام، تعارض، و تناقضی پیش نیاید (مطلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۹ - ۱۱۸). تجربه عملی و ارائه ده‌ها تفسیر، خود، دلیلی بر این امر است که قانون اساسی در مواردی نیاز به تفسیر داشته است. بر همین اساس اصل ۹۸ قانون اساسی ایران تفسیر قانون اساسی را به عهده شورای نگهبان گذاشته که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود. برداشت برخی از حقوقدانان چنین است که از اصل ۹۸ قانون اساسی افاده حصر نمی‌شود و نباید چنین پنداشت که شورای نگهبان یگانه مقامی است که حق تفسیر قانون اساسی را دارد. مثلاً رئیس‌جمهور که مسئول اجرای قانون اساسی است، به مناسبت وظایفی که بر عهده دارد، حق تفسیر قانون اساسی را دارد یا هر شهروند عادی که باید از قانون اساسی اطاعت کند ضروری است قانون اساسی را ابتدا پیش خود معنی کند تا بتواند آن را رعایت کند. بنابراین، تفسیر قانون اساسی گل زرینی نیست که فقط بر سینه شورای نگهبان زده شود. هر کس که مأمور اجرای قانون اساسی است حق تفسیر قانون اساسی را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۶۷ - ۶۸). اما با دقت در مواضع شهید بهشتی به این نکته پی می‌بریم که ایشان بر آن است که هر چند امکان فهم قانون اساسی برای همه افراد عادی نیز وجود دارد، تشخیص افراد عادی ملاک نیست. بنابراین آن امری که در اصل ۹۸ قانون اساسی می‌خواهد انجام شود آن است که نهاد شورای نگهبان تشخیص ملاک و معیار را با اکثریت آرا انجام می‌دهد (صورت مشروح مذاکرات ...، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۷۰۸). ایشان باور داشت که اگر هر مقامی غیر از شورای نگهبان تفسیری از قانون اساسی ارائه بدهد یک نظر شخصی محسوب می‌شود و دارای اعتبار قانونی نیست و بهتر آن است که به اظهار نظر مقام مسئول قانونی توجه و از اظهار نظرهای متفرقه خودداری شود (سرابندی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۳۵). به عبارت بهتر برداشت شهید بهشتی آن بود که قانون اساسی مرجع تصمیم‌گیری و اظهار نظر در این موضوع را معین کرده است؛ بدین نحو که اگر رئیس‌جمهور یا مجلس یا مجلس با شورای عالی قضایی یا هر یک از این‌ها با رهبری در مورد

اختیارات و وظایف خود در فهم قانون اساسی اختلاف نظر پیدا کردند، طبق قانون اساسی، مقام داور و تشخیص‌دهنده در این زمینه شورای نگهبان خواهد بود. پس، اگر اختلاف در فهم وظایف و اختیارات و فهم اصول قانون اساسی به وجود آید، مقام مفسر قانون اساسی، که شورای نگهبان است متشکل از شش فقیه و شش حقوقدان مسلمان متعهد، در مواقع لزوم تفسیر تشکیل جلسه می‌دهد و این دوازده نفر درباره آن اصل مورد اختلاف در قانون اساسی گفت‌وگو و سپس رأی خود را با سه‌چهارم آرا صادر می‌کنند (سرابندی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۶۵۰). شاید دیدگاه حقوقدانانی که صلاحیت تفسیر قانون اساسی را منحصر به شورای نگهبان نمی‌دانند نیز ناشی از عدم تفکیک در زمینه صلاحیت تفسیر علمی از تفسیر رسمی و لازم‌الاتباع باشد. زیرا تفسیر رسمی تفسیری است که مقام صلاحیت‌دار به استناد اختیاری که قوه مؤسس به او اعطا می‌کند از قانون ارائه می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۷۱). لکن تفسیر علمی تفسیری است که صاحب‌نظران حقوقی بدون آنکه مقام و موقعیت رسمی داشته باشند اقدام به تفسیر متن قانونی می‌کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۷۱). بر این اساس باید گفت صلاحیت تفسیر نسبت به قانون اساسی به صورت کلی اختصاصی به شورای نگهبان ندارد و هر شخصی می‌تواند آن را نزد خود تفسیر کند. اما آنچه مختص شورای نگهبان است صلاحیت تفسیر رسمی و لازم‌الاتباع است که طبق اصل ۹۸ قانون اساسی به این نهاد سپرده شده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های صورت‌گرفته در نوشتار حاضر، مشخص شد که شهید بهشتی، از بنیان‌گذاران نظام حقوقی ایران اسلامی، نقشی بی‌بدیل در تصویب اصول مربوط به نهاد شورای نگهبان در قانون اساسی داشته و در جلسات متعدد مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به دفاع از این شورا و ساختار حقوقی آن پرداخته است. ایشان جامعه ایران را یک جامعه مکتبی می‌داند که دین مبین اسلام را به عنوان آیین زندگی اجتماعی خود انتخاب کرده است و به همین منظور نهاد شورای نگهبان در نظام حقوقی ایران، به منزله بازوی فقه‌ای مقام رهبری، وظیفه پاسداری از اسلامی بودن این نظام را بر عهده دارد و از جایگاه فصل‌الخطاب بودن برخوردار است. ارائه سخن‌نمایی در زمینه تطبیق قوانین عادی با احکام شرعی و تفسیر اصول قانون اساسی و عدم ارجاع اختلافات در این زمینه‌ها به مرجعی دیگر با همین مبنای فصل‌الخطاب بودن شورای نگهبان قابل توجیه است. از نظر شهید بهشتی، در بررسی و نظارت بر قوانین، شورای نگهبان بر اساس اصول

۴ و ۹۱ قانون اساسی وظیفه دارد قوانین را از دو جهت اساسی و شرعی مورد بررسی و تطبیق قرار دهد که با این کار هم از حاکمیت احکام اسلام و قانون اساسی بر ارکان کشور حراست می‌کند هم اجازه تصویب و به اجرا رسیدن قوانین و مقررات مغایر با قانون اساسی و شرع مقدس را نمی‌دهد. مضافاً بر اینکه شورای نگهبان از جهت شرعی در زمینه همه قوانین و مقررات لازم‌الاجرا، اعم از قوانینی که از مجرای مجلس تصویب می‌شود یا آن‌هایی که پیش از انقلاب در نظام حقوقی ایران وارد شده و مورد نظارت شورای نگهبان قرار نگرفته‌اند، صلاحیت نظارتی دارد. رسالت شورای نگهبان در پاسداری از قانون اساسی در مرحله تقنین و پاسداری از شرع به صورت مطلق هم در فرایند تقنین هم در خصوص پایش قوانین و مقررات است. در باب تفسیر قانون اساسی، برداشت ایشان آن است که شورای نگهبان طبق اصل ۹۸ قانون اساسی در مواردی که درباره اصول قانون اساسی اختلاف‌نظری به وجود آید، در مقام حکم و داور، وظیفه دارد با تفسیر قانون اساسی مسئله را خاتمه بخشد و نتیجه این دیدگاه شهید بهشتی منجر به این می‌شود که فقط نهاد شورای نگهبان است که می‌تواند اظهارنظر کند و اظهارنظر قانونی و رسمی در این زمینه صرفاً به عهده آن است و اگر هر مقام دیگری نظری بدهد یک نظر شخصی و فاقد اعتبار قانونی است.

یادداشت‌ها

1. founding fathers

۲. در خصوص نقش امام خمینی^(ره) در تکوین نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ← بهادری جهرمی و کدخدامرادی، ۱۳۹۸.

۳. انتخاب شهید بهشتی به عنوان نایب‌رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی با ۴۰ رأی و اداره ۵۰ جلسه از ۶۷ جلسه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و نطق‌های مهم و تأثیرگذار ایشان به‌خصوص درباره اصل ۵ قانون اساسی و مسئله ولایت‌فقیه گواهی بر این مطلب است (← صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۲۲ - ۳۲۳؛ صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۷۶ - ۳۸۱؛ صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۱۳ - ۲۱۴؛ صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۱۸ - ۲۱۹؛ صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۵۹ - ۳۶۱؛ صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۵۸ - ۹۵۹).

4. intentionalism

۵. اهم این پژوهش‌ها به شرح زیر است:

- حسنی، سید محمدهادی (۱۳۹۶)، «بررسی اندیشه حقوق اساسی شهید بهشتی»، اندیشه‌های حقوق عمومی، (۱)۷، ۴۳ - ۶۶.

- پرورش، یاسر؛ یاسر روستایی حسین‌آبادی و احمد رنجبر (۱۳۹۸)، «تحلیل آرا و اندیشه‌های آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی در حوزه حقوق عمومی و تأثیر آن بر شکل‌گیری و تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۴۱): ۲۲۹ - ۲۵۳.

- بستانی، محمدحسین (۱۳۹۵)، «تأثیر اندیشه‌های شهید بهشتی بر فرایند تدوین قانون اساسی»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، استاد راهنما: علی شجاعی‌فرد، واحد مرودشت.

- اصل ۹۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد؛ مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان».

- باید توجه داشت که در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، شورای عالی قضایی به قوه قضاییه تغییر یافته است.

منابع

۱. اصغری شورشانی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «نظریه تفسیر اجتهادی در تحلیل رویه تفسیری شورای نگهبان»، رساله دکتری حقوق عمومی، استاد راهنما: توکل حبیب‌زاده، دانشگاه امام صادق (ع).
۲. بهادری جهرمی، محمد و محمدرضا اصغری شورشانی (۱۴۰۱)، «جایگاه و نقش مبانی نظام حقوقی در تفسیر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دانش حقوق عمومی، ۱۱(۳۶): ۱۱۹ - ۱۴۸.
۳. بهادری جهرمی، محمد و کمال کدخدامرادی (۱۳۹۸)، «نقش و اثر امام خمینی (ره) در تکوین و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دانش حقوق عمومی، شماره ۲۵، ۴۵ - ۶۸.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۵. جعفری ندوشن، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی کارویژه‌های شورای نگهبان در ایران، فرانسه، و مریکا، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. حاجی‌پور، نصرت‌الله (۱۳۸۳)، تطبیق قوانین با شرع در نظام قانون‌گذاری ایران، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰ الف)، مبانی نظری قانون اساسی، ج ۴، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی.
۸. _____ (۱۳۹۰ ب)، ولایت، رهبری، و روحانیت، ج ۲، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی.
۹. راسخ، محمد (۱۳۹۷)، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، ج ۵، تهران: دراک.
۱۰. سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۶)، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱ و ۳.

۱۱. شعاع‌حسینی، فرامرز (۱۳۹۲). *بهشتی از زبان بهشتی*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۳.
۱۲. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج ۱ - ۳.
۱۳. کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۳)، «اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی»، *مجله کانون وکلا*، شماره ۱۸۶، ۶۵ - ۷۷.
۱۴. مطلبی، سید محسن (۱۳۸۵)، *پاسداری از قوانین اساسی در نظام‌های سیاسی غرب و جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. منصوریان، ناصرعلی و علی ملازاده (۱۳۹۴)، «سازوکارهای ناظر بر صیانت از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فقه و حقوق اسلامی*، ۶(۱۱)، ۲۴۹ - ۲۹۸.
۱۶. مهرپور، حسین (۱۳۸۹)، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، تهران: دادگستر.

ب) انگلیسی

17. Kay, Richard S. (1988), "Adherence to the Original Intentions in Constitutional Adjudication: Three Objectives and Responses", *Northwestern University Law Review*, vol. 82, p. 226- 247.

References:

1. Asghari Shoorestani, Mohammad Reza (2020), **Theory of Ijtihad Interpretation in the Analysis of the Interpretative Procedure of the Guardian Council**, A thesis presented for the degree of Ph.D in Public Law, Supervisor: Dr. Tavakkol Habib Zadeh, Imam Sadiq University. (in Persian)
2. Bahadri Jahormi, Mohammad & Asghari Shoorestani, Mohammad Reza (2022), **The Position & The Role of The Foundations of The Legal System In The Interpretation of The Principles of Iran's Constitution**, *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, No. 36, pp. 119-148.
3. Bahadri Jahormi, Mohammad and Kadkhodamoradi, Kamal, (2018) **The Role and Effect of Imam Khomeini in the Formation and Drafting of the Constitution of the Islamic Republic of Iran**, *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, No. 25, pp. 45-68.
4. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1998), **Legal Terminology**, Tehran: Ganj Danesh Library. (in Persian)
5. Jafari Nadushan, Ali Akbar (2006), **Comparative survey of duties of the Guardian Council in Iran, France and America**, Tehran, Publishing Center of Islamic Revolution Documents, First Edition. (in Persian)
6. Hajipoor, Nusratallah (2004), **Comparison of Laws with religious law in Iran's Legislative System**, Publishing Center of Islamic Revolution Documents, First Edition. (in Persian)

7. Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (2011), **Theoretical Foundations of the Constitution**, Tehran: martyr Beheshti Works and Thoughts Publishing Foundation, Fourth Edition. (in Persian)
8. Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (2011), **Velayat, Leadership and Clergy**, Tehran: martyr Beheshti Works and Thoughts Publishing Foundation, Second Edition. (in Persian)
9. Rasekh, Mohammad (2018), **checks and Balances under the Constitutional System**, Tehran: Derak Pub, Fifth Edition. (in Persian)
10. Sarabandi, MohammadReza (2008). **Speeches and Interviews of Ayatollah Doctor Martyr sayyed Mohammad Hosseini Beheshti**, (Vol.1). Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in Persian)
11. Sarabandi, MohammadReza (2008). **Speeches and Interviews of Ayatollah Doctor Martyr sayyed Mohammad Hosseini Beheshti**, (Vol.3). Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in Persian)
12. Shua Hosseini, Faramarz (2013). **Beheshti from Beheshti language**, (Vol.2). Tehran: Publications of the Association of Cultural Artifacts and Masters. (in Persian)
13. **Detailed minutes of the deliberations of the Assembly Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran** (1985), General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly, (Vol.1).
14. **Detailed minutes of the deliberations of the Assembly Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran** (1985), General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly, (Vol.2).
15. **Detailed minutes of the deliberations of the Assembly Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran** (1985), General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly, (Vol.3).
16. Katouzian, Amirnaser (2004), **Logical Principles Governing the Interpretation of the Constitution**, Lawyers Association Magazine, No. 186, pp.77-65. (in Persian)
17. Matlebi, Seyyed Mohsen (2006), **Guarding the Constitutions in Western Political Systems and the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Publishing Center of Islamic Revolution Documents, First Edition. (in Persian)
18. Mansourian, Naser Ali; Molazadeh, Ali (2015), **Mechanisms Governing the Status of the Constitution of the Islamic Republic of Iran**, Islamic Jurisprudence and Law Quarterly, No.11, pp. 298-249.
19. Mehrpour, Hossien, (2011), **Mokhtasare Hoquq Asasi Jomhuri Eslami Iran**, Tehran, publication Dadgostar, second edition. (in Persian)